

سیدضیاءالدین طباطبایی و اتهام خرید و فروش زمین در فلسطین



○ سید ضیاءالدین طباطبایی و فلسطین

○ تألیف: رضا آذری شهرضایی

○ ناشر: شیرازه، تهران، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۸۱،
۲۲۰۰ نسخه، ۱۲۰۰ تومان

○ نصرالله صالحی

با عزل وی از منصب رئیس‌الوزاری (۴ خرداد ۱۳۰۰) توسط احمدشاه و سفر او به اروپا در ۵ خرداد ۱۳۰۰ آغاز و با بازگشت او به ایران (۱۳۲۲ ش) پایان می‌یابد.

۳- دوران سوم با شروع فعالیت‌های پارلمانی جهت ورود به مجلس چهاردهم و تشکیل حزب اراده ملی و انتشار روزنامه رعد امروز و مقابله فعالانه با حزب توده آغاز و با زندانی شدن او در

نام و آوازه سید ضیاءالدین طباطبایی (۱۳۰۶ ق - ۱۳۴۸ ش) که از برجسته‌ترین روزنامه‌نگاران و معروف‌ترین سیاستمداران سال‌های بعد از مشروطه به حساب می‌آید - عمدتاً با رخداد کودتای اسفند ۱۲۹۹ شمسی گره خورده است. از آنجا که وی یکی از دو عامل مهم کودتای مزبور بود، علی‌رغم اینکه دوران رئیس‌الوزاری وی در دولت کودتا بیش از سه ماه به طول

نیجامید ولی با این حال این حادثه به عنوان مهم‌ترین نقطه عطف در طول دوران زندگانی سیاسی او، از چنان اهمیتی برخوردار است که هنوز هم کودتای مزبور چند دهه از زندگی بسیار پرماجرایی بعد از کودتای وی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است، جالب اینکه حتی غالب پژوهشگران تاریخ معاصر نیز آغاز و انجام زندگی سید ضیاء را به کودتا و به چند ماه رئیس‌الوزاری او ختم می‌کنند، حال آن که می‌بایست با تفکیک ادوار مختلف زندگی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی سید ضیاء به ادوار مغفول و مجهول از زندگی او توجه نشان داد، تا شاید شناختی هر چه جامع‌تر از زندگی پر فراز و نشیب او به دست آید. این کاری است که مؤلف و مدون کتاب سید ضیاءالدین طباطبایی و فلسطین^۱ به خوبی از عهده آن برآمده است. وی در مقدمه، زندگی سیاسی سید ضیاءالدین را به چهار دوره تقسیم کرده و بازشناسی دوره دوم را که مجهول‌تر از دیگر ادوار زندگی اوست وجه همت خود قرار داده است. از دید مؤلف زندگی سیاسی سید ضیاء به طور کلی به این چهار دوره تقسیم می‌شود:

۱- دوره اول که دوران روزنامه‌نگاری اوست. این دوران از نوزده سالگی و در سال ۱۳۲۵ قمری با انتشار روزنامه «ندای اسلام» در شیراز شروع و با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ (۱۳۳۹ ق) خاتمه می‌یابد. در این دوره علاوه بر روزنامه ندای اسلام، سه روزنامه معروف و معتبر شرق، برق و رعد نیز از سوی سید ضیاء منتشر می‌شد. این هر سه روزنامه در زمان انتشار بسیار تأثیرگذار بوده‌اند.

۲- دوران دوم زندگی سیاسی سید ضیاء که موضوع اصلی کتاب حاضر است

اسفند ۱۳۲۵ پایان می‌یابد.

۴- دوران چهارم زندگی سیاسی سید ضیاءالدین با آزادی وی از زندان در اواخر ۱۳۲۶ آغاز و تا شهریور ۱۳۴۸ که سال درگذشت اوست به پایان می‌رسد.^۲ مؤلف در قسمتی از مقدمه کتاب در بیان علت و اهمیت پرداختن به دوره دوم زندگی سیاسی سید ضیاء چنین نوشته است:

«در این بررسی نگارنده تلاش دارد که در حد امکان از دوران دوم زندگی سیاسی سید ضیاءالدین یعنی دوره اقامت وی در فلسطین تصویری ارائه کند. تحقیق و بررسی این دوره با سه دوره دیگر متفاوت است زیرا از سه دوره دیگر، با توجه به حجم گسترده اسناد و گزارش‌ها و خاطرات می‌توان به نتایجی رسید. اما در مورد دوره دوم چنین نیست. به عنوان مثال بعد از انتخاب وی به ریاست دبیرخانه کنگره اسلامی قدس، با توجه به حیات پنج ساله این دبیرخانه، بخش قابل توجهی اسناد و مکاتبات توسط وی برای اجرای اهداف کنگره به اشخاص و رجال مختلف ارسال و یا دریافت شده است که این اسناد هم‌اکنون در اختیار متولیان مسجدالاقصی در فلسطین می‌باشد و امکان دسترسی به آن نیست و من نگارنده فقط توانستم با راهنمایی خانم دکتر خیریه قاسمی - استاد تاریخ دانشگاه دمشق - به بخشی از اسناد عربی مربوط به سید ضیاء دسترسی پیدا کنم. اگر چه این اسناد تا حدودی یک تصویر کلی از این موضوع ترسیم می‌کند اما شاید سؤالات بی‌پاسخی کماکان باقی بماند...»^۳

چنان که پیداست مؤلف بر یک دوره بیست و دوساله از زندگی سید ضیاء که

تماماً در خارج از ایران بوده انگشت نهاده و علی‌رغم قلت منابع، همت خود را مصروف بازشناسی این دوران مجهول و مغفول و در عین حال بسیار مهم از زندگی سیاسی سید ضیاء کرده‌اند. تلاش مؤلف در این راه تا حد زیادی قرین توفیق بوده است چرا که وی با کتدوکاو در روزنامه‌های کم‌یاب و دیرپاب دوره رضاشاه و دهه اول پهلوی دوم و نیز اسناد موجود در بایگانی وزارت خارجه ایران، نهایت سعی خود را برای ترسیم خطوط کلی زندگانی سید ضیاء در دوران بیست و دو سال تبعید از ایران به عمل آورده‌اند. چنان که از عنوان و محتوای کتاب برمی‌آید، مؤلف کوشیده است زندگی سیدضیاء را در این ۲۲ سال عمدتاً حول محور مسأله فلسطین مورد بازشناسی قرار دهد. اهمیت پرداختن به این دوره از زندگی سید ضیاء، عمدتاً به این جهت است که برای نخستین بار به طور جدی و مستند به اتهام و شایعه خرید اراضی فلسطینیان و فروش آن به

یهودیان از سوی سید ضیاء می‌پردازد و تا حد زیادی از عهده روشن ساختن نادرستی این اتهام برمی‌آید. و اما جای طرح این سؤال در اینجا ضروری است که به درستی از چه زمانی در ایران، سید ضیاء به چنین اتهامی متهم شد؟ مؤلف با بررسی روزنامه‌های مقارن با زمان بازگشت سید ضیاء به ایران (۱۳۲۲ ش) که مصادف با نامزدی وی برای ورود به مجلس چهاردهم شد، به این نتیجه رسیده است که حزب توده برای خارج کردن سید ضیاء از صحنه رقابت‌های انتخاباتی و به طور کلی از صحنه سیاسی، در روزنامه‌های مختلف هوادار خود به طرح این اتهام و اشاعه آن پرداخته است. وی می‌نویسد: «یکی از مهمترین نکاتی که در این دوره از سوی جراید حزب توده مطرح، و در سال‌های بعد و حتی بعد از انقلاب [اسلامی] در حمله به سید ضیاء طباطبایی تکرار شد آن بود که وی با اقدامی غیراخلاقی یعنی با ابراز دوستی و جلب اعتماد فلسطینیان زمین‌های آنان را خریده به یهودیان فروخته است.»^۴ از دید مؤلف این اتهامات که بعد از مخالفت

مؤلف بر یک دوره بیست و دو ساله از زندگی سید ضیاء که تماماً در خارج از ایران بوده انگشت نهاده و علی‌رغم قلت منابع، همت خود را مصروف بازشناسی این دوران مجهول و مغفول و در عین حال بسیار مهم از زندگی سیاسی سید ضیاء کرده است

اهمیت پرداختن به این دوره از زندگی سید ضیاء‌الدین، عمدتاً به این جهت است که برای نخستین بار به طور جدی و مستند به اتهام و شایعه خرید اراضی فلسطینیان و فروش آن به یهودیان از سوی سید ضیاء می‌پردازد و تا حد زیادی از عهده روشن ساختن نادرستی این اتهام برمی‌آید

سیدضیاء‌الدین طباطبایی با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی‌ها به‌خصوص در پی انتشار بیانیه مفصل تحت عنوان «بیان حقایق» (رعده امروز، ش ۳۲۷، ۲۹ آذر ۱۳۲۳) در این زمینه ابعاد گسترده‌ای یافت به تدریج و تحت عناوین دیگر در سایر نشریات نیز تکرار شد.^۵

در پاسخ به اتهامات یاد شده، سید ضیاء و طرفدارانش نیز با انتشار مقاله‌ها و بیانیه‌های مختلف به دفاع از عملکرد و کارنامه او در ربط با دوران اقامتش در فلسطین و حتی کودتای ۱۲۹۹ پرداختند.^۶ از خلال این نوشته‌ها و نیز برخی از اسناد وزارت خارجه می‌توان به ابعادی از نقش بسیار مهم سید ضیاء در تشکیل کنگره اسلامی قدس در مسجدالاقصی و پیوندهای بعدی او با سرزمین فلسطین پی برد. در توضیح این مطلب باید گفت که «در پاییز سال ۱۳۱۰ شمسی حاج امین‌الحسینی، مفتی اعظم فلسطین برای انعقاد کنگره‌ای جهت مقابله با مهاجرت فزاینده و ازدیاد نفوذ اقتصادی و سیاسی یهودی‌ها در فلسطین، از رجال و دولتمردان

کشورهای اسلامی دعوت کرد تا در کنگره‌ای با همین مناسبت در بیت‌المقدس شرکت کنند.»^۷ امین‌الحسینی خود شخصاً در مصر در سفارت ایران حضور یافت و رسماً خواستار اعزام نماینده ویژه از سوی ایران به کنگره شد، این تقاضا از سوی دولت ایران مورد اجابت قرار نگرفت و لذا در این کنگره نماینده‌ای از سوی دولت ایران حضور نیافت.^۸ با این حال، سید ضیاء که در این ایام در اروپا زندگی می‌کرد و با رجال سرشناس عرب در سوئیس حشر و نشر داشت، از سوی مفتی اعظم فلسطین - امین‌الحسینی - نه تنها برای شرکت در کنگره که برای تصدی ریاست دبیرخانه کنگره اسلامی قدس رسماً دعوت شد. کنگره مزبور در ۱۴ آذر ۱۳۱۰ با ورود مدعوین افتتاح شد. نطق افتتاحیه را حاج امین‌الحسینی در مورد ضرورت اتحاد مسلمانان ایراد کرد و سپس شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء، نطق مفصلی به زبان عربی

ایراد کرد. سخنران سوم سید ضیاء‌الدین طباطبایی بود که با ایراد سخنانی درباره اتحاد مسلمانان بر حفظ قومیت هر ملتی نیز تأکید داشت. در این کنگره اشخاص دیگری مانند اقبال لاهوری نیز شرکت و سخنرانی کردند. در این کنگره حاج امین‌الحسینی به عنوان رئیس و سید ضیاء طباطبایی به عنوان نایب رئیس و رئیس دبیرخانه کنگره منصوب شدند.^۹ از افتتاح کنگره و تشکیل کمیسیون‌های شش‌گانه آن به بعد بود که قابلیت‌ها و توانایی‌های سیدضیاء در نحوه اداره کنگره برای کلیه مدعوین عیان شد. چنان که هارترین گرامر درباره انتصاب سید ضیاء‌الدین به ریاست دبیرخانه کنگره نوشت: «او به عنوان یک سازمان دهنده قابل، به شدت از سوی عده زیادی از نمایندگان تشویق به گرداندگی اداره دائم کنگره شد. سید ضیاء‌الدین بالاخره قبول کرد و سنگینی اداره امور و تهیه هزینه‌ها بعد از پایان کنگره به دوش او افتاد.»^{۱۰}

محمد عزه دروزه یکی از مورخین معروف عرب و از مشییان دبیرخانه کنگره که سال‌ها با سید

ضیاءالدین طباطبایی همکار بوده نیز درباره او نوشت: «او یکی از درخشان‌ترین و با هوش‌ترین و پرنشاط‌ترین شخصیت‌های کنفرانس بود.»^{۱۱}

سید ضیاء بعد از خاتمه کار کنگره از امین‌الحسینی اجازه خواست تا برای رسیدگی به امورش در اروپا به آنجا بازگردد. وی بعد از دو هفته اقامت در بیت‌المقدس به ژنو بازگشت و چند ماه بعد در بهار سال ۱۳۱۱ ش مجدداً به بیت‌المقدس مراجعت کرد و مسؤولیت دبیرخانه کنگره را در دست گرفت.^{۱۲}

از پاره‌ای اسناد به‌جا مانده از کنگره قدس، می‌توان دریافت که سید ضیاء در دوران تصدی پنج ساله (۱۳۱۵ - ۱۳۱۰ ش) مسؤولیت دبیرخانه کنگره، در چارچوب مصوبات کمیسیون‌های کنگره به اقدامات و فعالیت‌های مؤثری مبادرت ورزیده است. با این حال عمر فعالیت‌های کنگره با شورش سال ۱۳۱۵ ش / ۱۹۳۶ م فلسطینی‌ها بر ضد یهودیان، پایان یافت. مقامات انگلیسی امین‌الحسینی را تبعید و مانع از برگزاری کنگره دوم شدند. با این حال سید ضیاء که در طول سال‌های اقامت خود در فلسطین و فعالیت در دبیرخانه کنگره، قطعه زمین بایری در جنوب فلسطین خریداری کرده بود، علی‌رغم تحول مزبور کماکان در فلسطین ماند و در قطعه زمین شخصی خود به کشاورزی پرداخت و از طریق کشت و زرع با تنگنای اقتصادی خود دست و پنجه نرم کرد.

نورالدین کیا در خاطرات خود اشاره دارد زمانی که در فلسطین «در سرکنسولگری ایران کار می‌کرده که مصادف با جنگ جهانی دوم بود و ارزاق به شدت نایاب، او بارها به همراه سرکنسول به منزل و باغ سید ضیاءالدین می‌رفت و وی مجاناً مواد غذایی را که محصول باغش بود در اختیار آنان می‌گذاشت.»^{۱۳}

دوران اقامت ۱۲ ساله سید ضیاء در فلسطین در اواسط ۱۳۲۲ ش پایان یافت و وی دو سال بعد از سقوط رضا شاه و برای شرکت در انتخابات مجلس چهاردهم به تهران آمد.

از اسناد و مطالب کتاب چنین برمی‌آید که سید ضیاءالدین علی‌رغم بازگشت همیشگی‌اش به ایران، املاک شخصی خود را در فلسطین به فروش نرساند و درست از همین جا است که می‌توان در صحت اتهام حزب توده مبنی بر دست داشتن سید ضیاء در فروش اراضی فلسطینیان به یهودیان به طور جدی تردید کرد. درخصوص سرنوشت املاک سید ضیاء در بعد از بازگشت او به ایران، در کتاب چنین آمده است: «سید ضیاءالدین پس از بازگشت به ایران املاک خود را در غزه به شخصی به نام جمیل زند سپرد. علاوه بر این سرکنسول ایران در بیت‌المقدس نیز امور آن را تحت نظر داشت. در شهریور ۱۳۲۸ عباس صیقل از سرکنسولگری ایران در بیت‌المقدس گزارشی به وزارت خارجه فرستاده بود. وی به همراه

مؤلف با بررسی روزنامه‌های مقارن با زمان بازگشت سید ضیاء به ایران به این نتیجه رسیده است که حزب توده برای خارج کردن سید ضیاء از صحنه رقابت‌های انتخاباتی و به طور کلی از صحنه سیاسی، در روزنامه‌های مختلف هوادار خود به طرح این اتهام و اشاعه آن پرداخته است

دو نفر از نمایندگان سازمان ملل متحد باغ سید ضیاءالدین را که در آن وقت تحت نظر مصری‌ها بود بازرسی و مشاهده کردند که درها و پنجره‌ها و لوله‌ها و موتور آب باغ را برده بودند، موتور آب مزرعه را مأمورین اسرائیلی برده بودند که به کمک مأمورین سازمان ملل متحد توانستند آن را برگردانند و قرار شد که مصری‌ها و کدخدای بیت حنون مزرعه را حفاظت کنند.»^{۱۴}

افزون بر این، مؤلف برای رفع اتهام فروش زمین از سوی سید ضیاء به یهودیان بر این نکته تأکید کرده‌اند که «در منابع عربی نشانی از روابط تیره وی با رجال عرب درباره املاک و یا موارد دیگر دیده نشده است. اما اسنادی به دست آمده که حاکی از روابط حسنه‌ای میان او [و] دیگر رجال عرب بوده است...»^{۱۵}

به این گفتار با اشاره‌ای به دفاعیه شیخ محمد خالصی زاده از سید ضیاء خاتمه می‌دهیم. خالصی زاده در اوائل سلطنت رضاشاه همراه با عده‌ای دیگر از علما از سوی انگلیسی‌ها به ایران تبعید شد و در طول سال‌های حکومت رضاشاه از منتقدان او بوده و به این جهت سال‌های متمادی در تبعید به سر برد. وی در روزهای مصادف با برگزاری انتخابات مجلس چهاردهم، با نوشتاری بلند (مندرج در رعد امروز، شماره ۱، ۵ مهر ۱۳۲۲)^{۱۶} در مقام مقابله با تبلیغات سوء و شایعه‌پراکنی حزب توده برآمد و با قاطعیت از کارنامه سیدضیاء در فلسطین دفاع کرد. وی نوشت: «... اعمال ایشان [سید ضیاء] در بیت‌المقدس موجب تشکر عموم مسلمین بدون استثناء و سبب افتخار ایرانی‌هاست. اول نویسنده عرب، امیر شکیب ارسلان اوصافی از این شخص ذکر می‌کند که هر ایرانی بلکه هر مسلمان باید شکرگزار باشد. آیا خلاف انصاف نیست که ما به جای این که مساعی ایشان را

تقدیر کنیم، دهان مزمت را نسبت به ایشان بگشاییم؟»^{۱۷}

این دفاعیه و دفاعیات دیگر از سید ضیاء و طرفدارانش که در روزنامه رعد امروز به چاپ می‌رسید، در افکار عمومی جامعه تأثیر مثبت گذاشت. چنان که وی به نمایندگی از یزد به مجلس چهاردهم راه یافت و علی‌رغم مخالفت نماینده اول تهران - دکتر مصدق - و نیز نمایندگان حزب توده در مجلس، اعتبارنامه‌اش با اکثریت آراء به تصویب رسید و همین برای سید ضیاء نقطه قوتی شد تا با تمام توان با تقاضای امتیاز نفت شمال از سوی شوروی که از حمایت حزب توده برخوردار بوده، به مخالفت بپردازد. مخالفتی که او را، لاجرم در کنار مخالف سرسخت خود یعنی دکتر مصدق قرار داد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مشخصات کتاب چنین است:
- آذری شهرضایی، رضا: سید ضیاءالدین طباطبایی و فلسطین، مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱، شش + ۱۵۹ ص.
- ۲- همان، ص ۲ و ۳.
- ۳- همان، ص ۴.
- ۴- کیانوری نیز در خاطرات خود به تکرار این اتهام پرداخته است. او می‌نویسد: «سید ضیاء، در فلسطین برای یهودی‌ها کار می‌کرد، یعنی یهودی‌ها از ظاهر اسلامی او استفاده می‌کردند. او زمین را از مسلمان‌ها می‌خرید و به یهودی‌ها انتقال می‌داد.» خاطرات نورالدین کیانوری، ص ۱۴۲ و ۱۴۳، به نقل از همان، ص ۴۵.
- ۵- همان، ص ۴۵.
- ۶- بنگرید به ضمائم و پیوست‌های کتاب، ص ۵۳ الی ۱۴۷.
- ۷- همان، ص ۱۹.
- ۸- حتی حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی که در آن زمان در بلژیک بود از طریق سفارت ایران در بروکسل درخواست کرد تا دولت ایران مخارج او را برای شرکت در این کنگره تقبل کند که با مخالفت وزارت خارجه ایران مواجه شد و لذا در این کنگره شرکت نکرد. با این حال در کتاب «ایران و مسأله فلسطین» (از انتشارات وزارت امور خارجه) به اشتباه چنین بیان شده که از سوی دولت ایران، یحیی دولت‌آبادی و سید ضیاء طباطبایی در کنگره مزبور شرکت جستند. (بنگرید به همان، ص ۲۲)
- ۹ و ۱۰- همان، ص ۲۳ و ۲۴.
- ۱۱- همان، ص ۲۴.
- ۱۲- همان، ص ۲۷.
- ۱۳- همان، ص ۳۵.
- ۱۴- همان، ص ۴۸.
- ۱۵- همان، ص ۵۱.
- ۱۶- بنگرید به پیوست ۱۰ و ۱۱ کتاب، ص ۹۲ الی ۱۴۱.
- ۱۷- همان، ص ۹۶.